

باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران (از آغاز تا سپیده‌دم روستانشینی)

دکتر حامد وحایتی نسب
دانشیار باستان‌شناسی - دانشگاه تربیت مدرس

شاهین آری‌منش
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با پیش‌گفتاری از پروفسور جان اسپت
ویراسته شهرناز اعتمادی

دی ماه ۱۳۹۴

سرشناسه	وحدتی نسب، حامد، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور	باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران (از آغاز تا سپیده‌دم روستائیشینی) / حامد وحدتی نسب، شاهین آریامنش؛ با پیش‌گفتاری از جان اسپت؛ ویراسته شهرناز اعتمادی.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۴۸۰، ۲۰ ص: مصور.
فروست	باستان‌شناسی.
شابک	978-600-6953-86-1
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی:
موضوع	دیرینه‌سنگی — ایران
موضوع	باستان‌شناسی — ایران
شناسه افزوده	آریامنش، شاهین، ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده	اسپت، جان دی، ۱۹۴۳ - م، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	Speth, John D.
شناسه افزوده	اعتمادی، شهرناز، ۱۳۴۱ - ویراستار
شناسه افزوده	سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
رده ی کنگه	۱۳۹۴ ۹۳ الف / GNW۷۲/۳۲
ببندی. رده	۹۳۵/۷
شابشناسی ملی	۴۱۰۹۵۳۸



پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

نام کتاب: باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران (از آغاز تا سپیده‌دم روستائیشینی)
نویسندگان: دکتر حامد وحدتی نسب، شاهین آریامنش
 با پیش‌گفتاری از پروفسور جان اسپت

ویراستار: شهرناز اعتمادی
صفحه‌آرایی: نشر فره‌وشی
طرح جلد: آتلیه الماس
ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۵۳-۸۶-۱
قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

همه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی (ره)، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری،
تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۳۶۴۵۲
نشانی اینترنتی: www.richt.ir رایانامه: ch.publish@yahoo.com

فهرست

۲۷	دیباچه
۲۹	پیش‌گفتار جان اسپت
۴۱	پیش‌گفتار نویسندگان
۴۷	فصل نخست: تاریخچه تحول باستان‌شناسی پارینه‌سنگی در جهان
۶۷	فصل دوم: پژوهش‌های پارینه‌سنگی در ایران، از آغاز تا کنون
۱۰۸	فصل سوم: پارینه‌سنگی قدیم ایران
۱۳۰	منطقه یک
۱۳۰	قوری‌گل
۱۳۲	کوهپایه‌های سه‌د
۱۳۳	شیوه‌نو
۱۳۴	گاکیه
۱۳۶	بل‌باریک
۱۳۷	کران‌بزان
۱۳۹	منطقه دو

۱۳۹.....	اُمَرْمَرْدِگ.....
۱۴۲.....	منطقه سه.....
۱۴۲.....	گنج‌پر.....
۱۴۳.....	در بند.....
۱۴۵.....	منطقه چهار.....
۱۴۵.....	کشف‌رود.....
۱۴۷.....	حوزه جنوب شرق ایران (لادیز، سیمیش، ماشکید، خاش و مکران).....
۱۵۲.....	منطقه پنج.....
۱۵۲.....	خالصه.....
۱۵۴.....	تنگ خُزاق و مین کَپک.....
۱۵۹.....	فصل چهارم: پارینه‌سنگی بای ایران.....
۱۷۳.....	منطقه یک.....
۱۷۳.....	نَمَته.....
۱۷۵.....	ورجوی جای و گردداغی.....
۱۷۷.....	چال تبه و چخماق‌لی.....
۱۷۹.....	کچ‌گاور.....
۱۸۱.....	پناهگاه صخره‌ای بیستون.....
۱۸۵.....	پناهگاه صخره‌ای وِرواسی.....
۱۸۷.....	مرآفتاب.....
۱۸۹.....	مردودر.....
۱۹۰.....	مرتاریک.....
۱۹۵.....	هرسین.....
۱۹۶.....	دو اشکفت.....
۱۹۹.....	قُبَه.....
۲۰۱.....	پناهگاه صخره‌ای وَرکینی.....
۲۰۳.....	غار بُهلول.....
۲۰۴.....	غار خر.....

۲۰۷.....	داروی
۲۰۹.....	غار کُنْجی
۲۱۳.....	کل داوود.....
۲۱۳.....	قَمَری.....
۲۱۴.....	لرستان (دشت خرم‌آباد و یل دختر).....
۲۱۷.....	کُران بُزان.....
۲۲۰.....	هومیان
۲۲۳.....	هَلیلان
۲۲۷.....	فارسان
۲۳۰.....	کوه‌رنگ
۲۳۲.....	باشت
۲۳۴.....	منطقهٔ ارسنجان
۲۳۸.....	چهرم
۲۳۹.....	اشکفت گاوی
۲۴۲.....	جام و ریز
۲۴۳.....	ناحیهٔ مکران
۲۴۵.....	بشت بام قشم
۲۴۶.....	منطقهٔ دو
۲۴۶.....	دشت مهران
۲۴۶.....	منطقهٔ سه
۲۴۶.....	کیارام ۱
۲۵۱.....	آق چشمه
۲۵۲.....	منطقهٔ چهار
۲۵۲.....	خونیک.....
۲۵۳.....	منطقهٔ پنج
۲۵۳.....	مغانک و اچونک
۲۵۵.....	مَسِیله
۲۵۶.....	زاویه

۲۵۷.....	نرگه
۲۵۸.....	بوئین‌زهره
۲۵۹.....	آراسنج
۲۶۰.....	تپه‌مس
۲۶۱.....	میرک
۲۶۶.....	صوفی‌آباد
۲۶۸.....	مجموعه غارهای قلمه بزی
۲۷۴.....	تل ابلیس
۲۷۴.....	چاه جم
۲۷۹.....	فصل پنجم: پارینه‌سنگی جدید ایران
۲۸۱.....	منطقه یک
۲۸۱.....	وَرِواسی
۲۹۰.....	وزمه
۲۹۳.....	غار خر
۲۹۳.....	مرکولیان، مردالان
۲۹۶.....	یافته
۳۰۲.....	پاسنگر
۳۰۳.....	گزارژنه
۳۰۴.....	لرستان (سرخه‌لیزه، گیلوران ۱، تخت شیر ۱ و ۲)
۳۰۶.....	مرگورگلان سراب
۳۰۸.....	خرگوش‌ناو
۳۰۹.....	درمره
۳۱۰.....	عین‌جرزان
۳۱۰.....	منطقه باشت
۳۱۸.....	اشکفت گاوی
۳۲۱.....	قادی‌برمه‌شور
۳۲۳.....	مجموعه غارهای هَلک

منطقه دو	۳۲۵
کول قره	۳۲۵
منطقه سه	۳۲۷
گرم رود ۲	۳۲۷
خل وشت	۳۳۱
گیلان	۳۳۳
منطقه چهار	۳۳۳
منطقه پنج	۳۳۳
دلازیان	۳۳۳
سفیدآب	۳۳۷
قلعه گوشه	۳۳۹
فهرج	۳۴۲
فصل ششم: میان سنگی / فراپارینه سنگ یران	۳۴۵
منطقه یک	۳۵۳
ریواس و اسکول	۳۵۳
وړواسی	۳۵۴
غار خر	۳۵۷
هلیلان	۳۵۷
اشکفت زنگیان	۳۶۱
لیکک بهمنی	۳۶۳
مرو دشت	۳۶۵
تنگ تیکونه	۳۶۷
کازرون	۳۶۹
غار رحمت	۳۷۱
اشکفت حاجی بهرامی	۳۷۴
منطقه دو	۳۷۷
رضاقلی آباد سنگی	۳۷۷

۳۷۷	ایذه
۳۸۱	منطقه سه
۳۸۱	کمر بند
۳۸۵	هوتو
۳۹۰	کُمیشان
۳۹۵	علی تپه (ال تپه)
۳۹۸	اسکابُن
۳۹۸	منطقه چهار
۳۹۹	منطقه پنج
۳۹۹	قلعه عسگر
۳۹۹	قمرود
۴۰۳	فصل هفتم: بحث و برآیند
۴۲۵	واژه‌نامه فارسی-انگلیسی
۴۲۵	واژه‌نامه انگلیسی-فارسی
۴۴۵	کتاب‌نامه

فهرست جداول

۶۶	جدول ۱-۱ گاهنگاری تطبیقی پارینه‌سنگی جهان
۱۵۷	جدول ۳-۱ محوطه‌های پارینه‌سنگی قدیم ایران
۳۷۷	جدول ۴-۱ محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی ایران
۳۳۳	جدول ۵-۱ محوطه‌های پارینه‌سنگی جدید ایران
۴۰۱	جدول ۶-۱ محوطه‌های میان‌سنگی / فراپارینه‌سنگی ایران
۴۱۴	جدول ۷-۱ محوطه‌های پارینه‌سنگی ایران

فهرست نمودارها

۴۲۱	نمودار ۷-۱ محوطه‌های پارینه‌سنگی ایران به تفکیک دوره
۴۲۱	نمودار ۷-۲ محوطه‌های پارینه‌سنگی قدیم در ایران به تفکیک مناطق جغرافیایی
۴۲۲	نمودار ۷-۳ محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی در ایران به تفکیک مناطق جغرافیایی

- نمودار ۴-۷ محوطه‌های پارینه‌سنگی جدید در ایران به تفکیک مناطق جغرافیایی ۴۲۲
- نمودار ۵-۷ محوطه‌های میان‌سنگی/افراپارینه‌سنگی در ایران به تفکیک مناطق جغرافیایی ۴۲۳

فهرست نقشه‌ها

- نقشه ۱-۳ مسیرهای پراکنش انسان راست‌قامت در جهان ۱۱۸
- نقشه ۲-۳ محوطه‌های اصلی که سنگواره‌های انسان راست‌قامت از آن‌ها به‌دست آمده است ۱۱۹
- نقشه ۳-۳ فلات ایران ۱۲۷
- نقشه ۴-۳ حلقه‌بندی ایران ۱۲۹
- نقشه ۵-۳ پراکنش محوطه‌های پارینه‌سنگی قدیم در ایران ۱۳۱
- نقشه ۱-۴ پراکنش انسان دندان‌بزرگ در جهان ۱۶۶
- نقشه ۲-۴ پراکنش محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی در ایران ۱۶۹
- نقشه ۱-۵ پراکنش محوطه‌های پارینه‌سنگی جدید در ایران ۲۸۷
- نقشه ۱-۶ پراکنش محوطه‌های پارینه‌سنگی/میان‌سنگی در ایران ۳۵۲
- نقشه ۱-۷ سه گذرگاه عمده پارینه‌سنگی در ایران ۴۰۹
- نقشه ۲-۷ دیرین‌اقلیم‌شناسی قفقاز در پایان پلیستوسن ۴۱۰

فهرست تصاویر

- ریچارد کولت هوار ۵۰
- کریستین یُرگنسن تامسن ۵۰
- جان لوباک ۵۱
- ادوارد لارته ۵۱
- گابریل مُرتیه ۵۲
- ویکتور کُمو ۵۴
- دنيس پیرونی ۵۴
- مُردُن چایلد ۵۵
- ابه هنری ادوارد پروسپر پرویل ۵۶
- فرانسوا بُرد ۵۸
- چارلز داروین ۵۹

۵۹	مارسلین بول
۶۰	ژان باپتیست لامارک
۶۱	لوئیز و سالی بینفرد
۶۱	هارولد دیبل
۶۱	جان گراهام داگلاس کلارک
۷۰	ژان ماری ژاک دموورگان
۷۰	هنری آرتور مک‌ماهون
۷۰	هنری فیلد
۷۱	مارک رول اسپاین
۷۱	رُمن گیرشمن
۷۲	کارلتن استنلی کوور
۷۳	اریک ترینکاوس
۷۳	نانسی مینو پورویس
۷۴	ارنست هرتسفلد
۷۴	جیمز هنری برستد
۷۵	رابرت جان بریدوود
۷۵	عزت‌الله نگهبان
۷۶	سیمون هلداوای
۷۶	کرتیس مرین
۷۷	فرنک هل
۷۷	کنت فلنری
۷۸	چارلز مک‌برنی
۷۹	فیلیپ اسمیت
۸۰	کایلر یانگ
۸۱	کلودیو ویتا فینزی
۸۱	ژوزف کالدول
۸۲	جان اسپت
۸۲	رالف سولکی و رز سولکی

۸۳	نانسی، هانس هلیک و جیمز نیلی
۸۴	رونالد سینگر
۸۴	جان جیمز وایمر
۸۵	ویلیام سامنر
۸۵	کلود تیو
۸۵	پدر مرتسن
۸۶	علی اصغر آربایی
۸۶	هنری رایت
۸۷	جیرو ایچیدا
۸۸	مایکل رزنیگر
۹۰	دبورا آلزوسکی
۹۰	دژنی گارد
۹۱	آنجلا مینزونی دژش
۹۱	صادق ملک شه میرزادی
۹۲	عنايت الله اميرلو
۹۲	میرعابدین کابلی
۹۳	فریدون بیگلری
۹۳	سونیا شیدرنک
۹۴	مسعود آذرنوش
۹۵	کامیار عبدی
۹۷	عباس مترجم و یعقوب محمدی فر
۹۸	اصغر عسگری خانقاه
۹۸	ژیل بریون
۹۹	الهام قصیدیان
۹۹	سامان حیدری
۱۰۰	ژاک ژوبر
۱۰۰	نیکلاس کُنارد
۱۰۳	مژگان جایز

۱۰۳	کوروش روستایی
۱۰۴	عبدالرضا دشتی‌زاده
۱۰۴	حجت دارابی
۱۰۶	اردشیر جوانمردزاده
۱۰۶	سجاد علی‌بیگی
۱۲۰	ماری و لوئیس لیکی
۱۲۰	تنگ‌دره اولدوایی
۱۳۲	اسد ایران‌پناه
۱۳۵	الیزابت ان مریس
۱۳۷	محوطه گاشور
۱۴۱	نمای عمومی محوطه آشوردر
۱۴۳	غارهای دربند
۱۶۲	چهره بازسازی‌شده انسان نئاندرتال
۱۷۳	کاوش در تَمَتمه
۱۸۲	نمای داخلی پناهگاه صخره‌ای بیستون
۱۸۴	کاوش در وِرواسی
۱۹۱	غار مرتاریک
۱۹۶	دو اشکفت
۲۰۵	غار خر
۲۰۶	برایان هس
۲۰۷	تپه داروی
۲۱۰	غار کُنْجی
۲۱۱	نمای بیرونی غار کُنْجی
۲۱۵	پناهگاه صخره‌ای گُجی
۲۲۰	محوطه هومیان ۱
۲۲۱	نقاشی صخره‌ای از محوطه هومیان
۲۲۲	رابرت بولی
۲۲۹	نمای عمومی محوطه مارون ۲

۲۳۱	بخشی از منطقه بررسی شده زردکوه
۲۳۳	مجموعه خان احمد
۲۳۴	اکیرا سُنکی
۲۳۵	غار ارسنجان
۲۳۶	غار تنگ اشکن در ارسنجان
۲۴۴	منوچهر قرشی
۲۴۸	غار کیارام ۱ از نمای بیرونی
۲۵۰	کاوش در غار کیارام
۲۵۲	محوطه افخمه
۲۵۴	محوطه مغانک
۲۵۶	محوطه روباز زاویه
۲۶۰	تپه مس
۲۶۲	محوطه میرک
۲۶۳	پراکنش سطحی دست افزارهای سنگی در محله میرک
۲۶۷	نمای عمومی محوطه صوفی آباد
۲۶۸	پراکنش دست افزارهای سنگی در محوطه صوفی آباد
۲۶۹	مجموعه غارهای قلعه بزی
۲۷۰	غار قلعه بزی ۲
۲۷۲	قلعه بزی ۳
۲۷۶	نمای عمومی محوطه چاه جم
۲۹۱	دهانه غار وزمه
۲۹۷	غار یافته
۲۹۸	مارسل ات
۳۱۲	غار سوخته
۳۱۳	بقعه سنگر
۳۱۵	غار بوف
۳۱۷	کاوش در غار بوف
۳۲۴	نمای دریاچه پریشان از غار هَلک ۴

۳۲۶	پناهگاه صخره‌ای کول‌قره
۳۳۱	پناهگاه صخره‌ای خل‌وشت
۳۳۴	دلازیان
۳۳۵	احمد کبیری
۳۴۰	محوطه بردیا (قلعه گوشه ۱)
۳۴۸	آت‌مارتین ثرل
۳۶۱	اشکفت زنگیان
۳۶۴	محوطه تنگ مه‌شهی
۳۶۴	پناهگاه صخره‌ای تنگ سروک
۳۶۸	غاری در تنگ نیکه
۳۷۲	غار رحمت ۱
۳۷۸	اشکفت گپ
۳۸۲	غار کمربند
۳۸۲	غار کمربند در وضعیت امروزی
۳۸۶	دهانه غار هوتو
۳۸۷	وسعت ترانسه کاوش‌شده در غار هوتو
۳۸۹	گزارشی از غار هوتو در مجله پرشمارگان لایف
۳۹۱	دهانه غار کمیشان

فهرست شکل‌ها

۶۲	شکل ۱-۱ طبقه‌بندی پنج‌گانه کلارک
۶۵	شکل ۱-۲ نمای تطبیقی دوره‌های ایزوتوبی اکسیژن، دوران یخچالی و دوران پارینه‌سنگی در اروپا
۱۱۲	شکل ۳-۱ مجموعه دندان‌های استرالوپیته کوس سدیا
۱۱۳	شکل ۳-۲ مجموعه انسان رودولف و بازسازی چهره آن
۱۱۳	شکل ۳-۳ مجموعه انسان ماهر و بازسازی چهره آن
۱۱۴	شکل ۳-۴ مجموعه و استخوان‌بندی انسان کارگر
۱۱۵	شکل ۳-۵ مجموعه و چهره بازسازی‌شده انسان راست‌قامت
۱۱۶	شکل ۳-۶ مجموعه انسان چپرانو

- شکل ۷-۳ جمجمه انسان هایدلبرگ و چهره بازسازی شده آن ۱۱۶
- شکل ۸-۳ جمجمه انسان گرجی یافت شده از دمانیسی گرجستان ۱۱۷
- شکل ۹-۳ تنگ دره اولدوایی در تانزانیا و ساپور ابزار یافت شده ۱۲۰
- شکل ۱۰-۳ ساپور ابزارهای یافت شده از تنگ دره اولدوایی در تانزانیا ۱۲۱
- شکل ۱۱-۳ ساخت دست افزار به روش ضربه مستقیم با چکش سخت ۱۲۱
- شکل ۱۲-۳ ساخت دست افزار به روش ضربه مستقیم با چکش نرم ۱۲۱
- شکل ۱۳-۳ تبردستی دوسویه و تبردستی آشولی یافت شده از سنت آشول در فرانسه ۱۲۴
- شکل ۱۴-۳ تبردستی آشولی یافت شده از تنگ دره الدوایی ۱۲۵
- شکل ۱۵-۳ شکافنده یافت شده از الدوایی ۱۲۵
- شکل ۱۶-۳ ساخت دست افزار فن دوجیتی ۱۲۶
- شکل ۱۷-۳ تبردستی یافت شده از توری گل ۱۳۲
- شکل ۱۸-۳ کلنگ مثلثی یافت شده از دانه های سهند ۱۳۳
- شکل ۱۹-۳ شکافنده ساخته شده از یک گرانیت بزرگ از شیوه تو ۱۳۴
- شکل ۲۰-۳ تبردستی گاکیه ۱۳۶
- شکل ۲۱-۳ تبردستی دوسویه یافت شده از پیل ۱۳۶
- شکل ۲۲-۳ تبردستی آشولی (?) یافت شده از کوره دشت سفلی ۱۳۸
- شکل ۲۳-۳ تبردستی دوسویه نیمه تمام (فیکرون؟) یافت شده از آمار بردگی ۱۴۰
- شکل ۲۴-۳ یک نمونه ساپور دوسویه ۱۴۰
- شکل ۲۵-۳ نمونه دست افزارهای سنگی محوطه های پارینه سنگی قدیم دشت مهران ۱۴۱
- شکل ۲۶-۳ ساپور ابزار از گنج پر ۱۴۲
- شکل ۲۷-۳ بخشی از آرواره زیرین خرس غارنشین یافت شده از دربند ۱۴۴
- شکل ۲۸-۳ ساپور سنگ مادر یافت شده از کشف رود ۱۴۵
- شکل ۲۹-۳ ساپور دوسویه یافت شده از کشف رود ۱۴۶
- شکل ۳۰-۳ دنداندار یافت شده از لادیز ۱۴۸
- شکل ۳۱-۳ ساپور دوسویه، یافت شده از مکران ۱۴۹
- شکل ۳۲-۳ دست افزارهای یافت شده از تپه خالصه ۱۵۳
- شکل ۳۳-۳ دست افزارهای تپه خالصه ۱۵۳
- شکل ۳۴-۳ دست افزارهای سنگی تنگ خُزاق ۱۵۴

- شکل ۳-۳۵ دست‌افزارهای سنگی فین کوچک ۱۵۶
- شکل ۴-۱ جمجمه انسان نئاندرتال از لاشاپل فرانسه ۱۶۲
- شکل ۴-۲ همسنجی جمجمه انسان نئاندرتال (راست) با جمجمه انسان هوشمند (چپ) ۱۶۳
- شکل ۴-۳ جمجمه انسان مدرن اسخول (راست) و انسان مدرن قفزه (چپ) ۱۶۴
- شکل ۴-۴ سربیکان‌های لوالوا از محوطه میرک ۱۷۲
- شکل ۴-۵ سنگ مادر لوالوا از محوطه میرک ۱۷۲
- شکل ۴-۶ خراشنده یافت‌شده از فرانسه ۱۷۲
- شکل ۴-۷ رایشندر کینا یافت‌شده از فرانسه ۱۷۲
- شکل ۴-۸ سربیکان موستری از محوطه میرک ۱۷۲
- شکل ۴-۹ خراشنده حکر و تراشه لوالوا، و خراشنده همگرا از محوطه میرک ۱۷۲
- شکل ۴-۱۰ پلان پاشا صخره تَمَمَه ۱۷۴
- شکل ۴-۱۱ دست‌افزارهای لرددنی ۱۷۶
- شکل ۴-۱۲ دست‌افزارهای ورجو ۱۷۷
- شکل ۴-۱۳ دست‌افزارهای چال‌تپه ۱۷۸
- شکل ۴-۱۴ دست‌افزارهای چخماقلی ۱۷۹
- شکل ۴-۱۵ برخی از دست‌افزارهای کچ‌گاور ۱۸۰
- شکل ۴-۱۶ شماری از دست‌افزارهای سنگی منتسب به لایه‌های رینه‌سنگی میانی پناهگاه بیستون ۱۸۳
- شکل ۴-۱۷ استخوان ساعد منتسب به انسان پارینه‌سنگی میانی یافت‌شده از بیستون ۱۸۴
- شکل ۴-۱۸ دست‌افزارهای موستری ورواسی ۱۸۵
- شکل ۴-۱۹ پلان غار مرآفتاب ۱۸۷
- شکل ۴-۲۰ دست‌افزارهای موستری مرآفتاب ۱۸۸
- شکل ۴-۲۱ دست‌افزارهای سنگی مردودر ۱۸۹
- شکل ۴-۲۲ پلان غار مرتاریک ۱۹۲
- شکل ۴-۲۳ دست‌افزارهای مرتاریک ۱۹۳
- شکل ۴-۲۴ قطعه کنده‌کاری شده از مرتاریک ۱۹۴
- شکل ۴-۲۵ پلان دو اشکفت ۱۹۷
- شکل ۴-۲۶ سنگ مادرهای دو اشکفت ۱۹۸
- شکل ۴-۲۷ ابزارهای دو اشکفت ۱۹۸

- شکل ۲۸-۴ پلان غار قُبَه ۲۰۰
- شکل ۲۹-۴ دست‌افزارهای قُبَه ۲۰۰
- شکل ۳۰-۴ پلان وَرکینی ۲۰۱
- شکل ۳۱-۴ دست‌افزارهای پارینه‌سنگی میانی (راست) و پارینه‌سنگی جدید (چپ) ۲۰۲
- شکل ۳۲-۴ پلان غار بُهلول ۲۰۳
- شکل ۳۳-۴ دست‌افزارهای تپه داروی ۲۰۸
- شکل ۳۴-۴ دست‌افزارهای تپه داروی ۲۰۹
- شکل ۳۵-۴ پلان غار کُنْجی ۲۱۱
- شکل ۳۶-۴ دست‌افزارهای غار کُنْجی ۲۱۲
- شکل ۳۷-۴ پلان غار صَمری ۲۱۳
- شکل ۳۸-۴ دست‌افزارهای غار قَمَری ۲۱۴
- شکل ۳۹-۴ دست‌افزارهای پناهگاه صخره‌ای عجی ۲۱۶
- شکل ۴۰-۴ سنگ‌مادرهای لوالوای کُرن پُلان ۲۱۸
- شکل ۴۱-۴ دست‌افزارهای یافت‌شده از خلیج و محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی کُرن پُلان ۲۱۹
- شکل ۴۲-۴ پلان هومیان ۱ و موقعیت قرارگیری در منطقه ۲۲۱
- شکل ۴۳-۴ دست‌افزارهای به‌دست‌آمده از محوطه‌های ویلا ۲۲۴
- شکل ۴۴-۴ دست‌افزارهای چشمه کهره ۲۲۵
- شکل ۴۵-۴ دست‌افزارهای سرسراب ۲۲۶
- شکل ۴۶-۴ سنگ‌مادرهای مارون ۲ ۲۲۸
- شکل ۴۷-۴ دست‌افزارهای مارون ۲ ۲۳۰
- شکل ۴۸-۴ دست‌افزارهای مارون ۱ ۲۳۰
- شکل ۴۹-۴ تراشه لوالوآ ۲۳۱
- شکل ۵۰-۴ خراشنده جانبی ۲۳۲
- شکل ۵۱-۴ دست‌افزارهای غار K9-5 در ارسنجان ۲۳۵
- شکل ۵۲-۴ دست‌افزارهای تنگ‌اشکن در ارسنجان ۲۳۷
- شکل ۵۳-۴ دست‌افزارهای یافت‌شده از جهرم ۲۳۸
- شکل ۵۴-۴ لایه‌نگاری اشکفت گاوی ۲۳۹
- شکل ۵۵-۴ گمانه‌های اشکفت گاوی و مقطع آن ۲۴۰

- شکل ۵۶-۴ دست‌افزارهای اشکفت گاوی ۲۴۱
- شکل ۵۷-۴ دست‌افزارهای یافت‌شده از جام و ریز ۲۴۳
- شکل ۵۸-۴ دست‌افزارهای یافت‌شده از منطقه شمال غربی کنارک ۲۴۵
- شکل ۵۹-۴ دست‌افزارهای پارینه‌سنگی میانی دشت مهران ۲۴۷
- شکل ۶۰-۴ پلان غار کیارام ۲۴۹
- شکل ۶۱-۴ دست‌افزارهای یافت‌شده از لایه‌های برجای غار کیارام ۲۵۰
- شکل ۶۲-۴ برخی از دست‌افزارهای گردآوری شده از محوطه آق‌چشمه ۲۵۱
- شکل ۶۳-۴ سما،ی از دست‌افزارهای سنگی منتسب به لایه‌های پارینه‌سنگی میانی پناهگاه خونیک ۲۵۳
- شکل ۶۴-۴ دست‌افزارهای مغانک ۲۵۴
- شکل ۶۵-۴ دست‌افزارهای مغانک و مغانک ۲۵۵
- شکل ۶۶-۴ خراشیده تیغه ۲۵۶
- شکل ۶۷-۴ دست‌افزارهای محوطه زاویه ۲۵۷
- شکل ۶۸-۴ دست‌افزارهای نرگه ۲۵۸
- شکل ۶۹-۴ سنگ مادر و تراشه یافت‌شده از محوطه ۲۵۸
- شکل ۷۰-۴ برخی از دست‌افزارهای آراسنج ۲۵۹
- شکل ۷۱-۴ دست‌افزارهای یافت شده از تپه مس ۲۶۱
- شکل ۷۲-۴ دست‌افزارهای میرک ۲۶۴
- شکل ۷۳-۴ دست‌افزارهای میرک ۲۶۵
- شکل ۷۴-۴ دست‌افزارهای میرک ۲۶۶
- شکل ۷۵-۴ دست‌افزارهای قلعه‌بزی ۲۷۱
- شکل ۷۶-۴ برش لایه‌نگاری قلعه‌بزی ۳ ۲۷۳
- شکل ۷۷-۴ دست‌افزارهای قلعه‌بزی ۲۷۴
- شکل ۷۸-۴ دست‌افزارهای به‌دست‌آمده از محوطه چاه‌جم ۲۷۵
- شکل ۱-۵ خراشیده روی تیغه ۲۸۳
- شکل ۲-۵ تیغه کولنار ۲۸۳
- شکل ۳-۵ اسکنه ۲۸۴
- شکل ۴-۵ تیغه ۲۸۴
- شکل ۵-۵ تیغه منشوری ۲۸۵

شکل ۵-۶	سریکان ارژنه	۲۸۵
شکل ۵-۷	سنگ مادر تیغه از ال واد	۲۸۶
شکل ۵-۸	تیغه از کبارا	۲۸۶
شکل ۵-۹	دست‌افزارهای ورواسی	۲۸۹
شکل ۵-۱۰	پلان غار وزمه	۲۹۱
شکل ۵-۱۱	دندان آسیای بزرگ (چپ) و آسیای کوچک (راست) انسان از غار وزمه	۲۹۲
شکل ۵-۱۲	پلان غار مرکولیان	۲۹۴
شکل ۵-۱۳	دست‌افزارهای مرکولیان	۲۹۵
شکل ۵-۱۴	دست‌افزارهای مردالان	۲۹۶
شکل ۵-۱۵	پلان غار خته	۲۹۹
شکل ۵-۱۶	دست‌افزارهای غار بان	۲۹۹
شکل ۵-۱۷	مقطع ترانسه کاوش شد در غار یافته	۲۹۹
شکل ۵-۱۸	اشیاء استخوانی غار یافت	۳۰۰
شکل ۵-۱۹	اشیاء ترننی غار یافته	۳۰۰
شکل ۵-۲۰	صدف پاسنگر	۳۰۲
شکل ۵-۲۱	پلان پناهگاه گرازنه	۳۰۳
شکل ۵-۲۲	پیکان ارژنه	۳۰۳
شکل ۵-۲۳	دست‌افزارهای گیلوران ۱	۳۰۵
شکل ۵-۲۴	دست‌افزارهای سرخ‌لیزه	۳۰۵
شکل ۵-۲۵	دست‌افزارهای تخت شیر	۳۰۶
شکل ۵-۲۶	مقطع گمانه مرگورگلان سراب	۳۰۷
شکل ۵-۲۷	دست‌افزارهای سطحی مرگورگلان سراب	۳۰۷
شکل ۵-۲۸	دست‌افزارهای به دست آمده از پناهگاه شماره ۲	۳۰۸
شکل ۵-۲۹	دست‌افزارهای درمره	۳۰۹
شکل ۵-۳۰	دست‌افزارهای خان‌احمد	۳۱۱
شکل ۵-۳۱	دست‌افزارهای غار سوخته	۳۱۲
شکل ۵-۳۲	دست‌افزارهای یقه‌سنگر	۳۱۴
شکل ۵-۳۳	دست‌افزارهای غار بوف	۳۱۶

- شکل ۳۴-۵ گمانه‌های اشکفت گاوی و مقطع آن ۳۱۹
- شکل ۳۵-۵ استخوان ترقوه چپ با نشانه‌های برش روی آن ۳۲۰
- شکل ۳۶-۵ دندان از اشکفت گاوی ۳۲۱
- شکل ۳۷-۵ طرحی از دریاچه مه‌ارلو در فارس ۳۲۲
- شکل ۳۸-۵ دست‌افزارهای اشکفت قادی برمه‌شور ۳۲۳
- شکل ۳۹-۵ پلان پناهگاه صخره‌ای کول‌قره ۳۲۶
- شکل ۴۰-۵ دست‌افزارهای کول‌قره ۳۲۷
- شکل ۴۱- بقایای گوزن از گرم‌رود ۲ با نشانه‌های برش ۳۲۸
- شکل ۴۱- دست‌افزارهای گرم‌رود ۲ ۳۲۹
- شکل ۴۳-۵ دست‌افزارهای تن‌وشت ۳۳۲
- شکل ۴۴-۵ تیغه و برش‌های لاریان ۳۳۶
- شکل ۴۵-۵ دست‌افزارهای یافت‌شده از فیدآب ۳۳۸
- شکل ۴۶-۵ دست‌افزارهای بردیا (قلعه ۴) ۳۴۰
- شکل ۴۷-۵ دست‌افزارهای بردیا (قلعه گوشت) ۳۴۱
- شکل ۴۸-۵ دست‌افزارهای فهرج ۳۴۲
- شکل ۱-۶ میکروولیت‌های یافت‌شده از لوانت مربوط به فرایا به‌سنگی ۳۵۰
- شکل ۲-۶ سربیکان‌های بازسازی‌شده ۳۵۱
- شکل ۳-۶ کاربردهای مختلف هندسی‌ها ۳۵۱
- شکل ۴-۶ دست‌افزارهای یافت‌شده از پناهگاه صخره‌ای ریواس و اسکول ۳۵۳
- شکل ۵-۶ دست‌افزارهای زَرزی ۳۵۴
- شکل ۶-۶ دست‌افزارهای زَرزی ۳۵۵
- شکل ۷-۶ مقطع غربی غار مرروز در جلوی غار ۳۵۸
- شکل ۸-۶ دست‌افزارهای سطحی غار مرروز ۳۵۸
- شکل ۹-۶ دست‌افزارهای زَرزی ۳۶۰
- شکل ۱۰-۶ دست‌افزارهای سنگی اشکفت زنگیان ۳۶۲
- شکل ۱۱-۶ سنگ مادر از اشکفت زنگیان ۳۶۲
- شکل ۱۲-۶ سنگواره سوراخ‌شده از پناهگاه صخره‌ای تنگ سروک ۳۶۴
- شکل ۱۳-۶ دست‌افزارهای یافت‌شده از محوطه‌های لیکک بهمنی ۳۶۵

شکل ۱۴-۶	دست‌افزارهای یافت‌شده از اشکفت انجیری	۳۶۶
شکل ۱۵-۶	دست‌افزارهای تنگ تیکوئه	۳۶۸
شکل ۱۶-۶	پلان غار رحمت ۱	۳۷۲
شکل ۱۷-۶	دست‌افزارهای غار رحمت ۱	۳۷۳
شکل ۱۸-۶	پلان اشکفت حاجی بهرامی	۳۷۴
شکل ۱۹-۶	دست‌افزارهای اشکفت حاجی بهرامی	۳۷۵
شکل ۲۰-۶	دست‌افزارهای تپه امام‌زاده محمود	۳۷۹
شکل ۲۱-۶	دست‌افزارهای اشکفت کهباد ۳	۳۷۹
شکل ۲۲-۶	دست‌افزارهای فرایارینه‌سنگی و نوسنگی آغازین یافت‌شده از دشت ایذه	۳۸۰
شکل ۲۳-۶	دست‌افزارهای غار کمر بند	۳۸۳
شکل ۲۴-۶	دست‌افزارهای استخوانی و دیگر اشیاء غار کمر بند	۳۸۳
شکل ۲۵-۶	جمجمه زنی جوان از غار کمر بند	۳۸۴
شکل ۲۶-۶	پلان غار کمر بند و گمانه‌های کار شده	۳۸۵
شکل ۲۷-۶	پلان غار هوتو و مکان گمانه‌ها	۳۸۸
شکل ۲۸-۶	دست‌افزارهای غار هوتو	۳۸۸
شکل ۲۹-۶	پلان غار کُمشان	۳۹۲
شکل ۳۰-۶	دست‌افزارهای کُمشان	۳۹۳
شکل ۳۱-۶	پلان غار ال تپه	۳۹۶
شکل ۳۲-۶	سوزن‌های استخوانی و کارشده‌ال تپه	۳۹۶
شکل ۳۳-۶	دست‌افزارهای یافت‌شده از ال تپه	۳۹۷
شکل ۳۴-۶	تیغه پناهگاه صخره‌ای اسکابن	۳۹۸
شکل ۳۵-۶	دست‌افزارهای قمرود	۴۰۰

دیباچه

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علی‌رغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشکده پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی حسب تکلیف تعیین شده برآن، متمرکز است. خاصه این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی استقرار یافته در منطقه نیز تامل نمود.

با نگرش سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پررنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای زیاده‌رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده تحقیقات معمول شده در هر یک از پژوهشکده‌ها به‌ویژه آثاری

که حاصل تتبعات مشترک پژوهشگاه و موسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌طراز بین‌المللی به صورت ممکن در وضعیت نشر قرار گیرند که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه استراتژی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

بار دیگر اذعان می‌نماییم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل موثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه‌سازی برنامه‌های در دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت بخش ایران باشد.

به علت مستعدی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تاثیرگذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگی ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و استادان این رسالت را انجام دهد و امیدوار است با حرکت در این مسیر دست همیاران همراهی‌شده را در دست گرفته تا بتواند گام موثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پیش‌گفتا: پروف‌سور جان اسپت

برای من بسیار مایه افتخار است که بر این کتاب ارزشمندی مقدمه بنگارم. در این کتاب، که در نوع خود تلاشی بی‌نظیر است، مسوولانی منحصر به فرد از بخش‌های مختلف گرد آمده، که به زیبایی، هم تاریخچه پژوهش‌های پارینه‌سنگی را در ایران مستند و هم واپسین دستاوردها را در این حوزه عرضه کرده است. ایران که حق آوازه‌ای جهانی، به دلیل دوره‌های مفرغ، آهن و دوره‌های پرشکوه سپسینش دارد، بی‌گمان در اصل ترین مراکز پیدایش نخستین تمدن‌ها بوده است. هنوز می‌توانم احساس شگفت‌انگیزی را که در خشمی لحظه قدم نهادن به ایران در ژانویه ۱۹۶۹ به من دست داد به‌خوبی به یاد آورم. انبوهی از تمدن و محوطه‌های باستانی تا افق را فرش کرده بود. برخی همچون تل ملیان به‌حدی بزرگ بود که در نگاه نخست آن‌ها را با تپه‌های طبیعی اشتباه گرفتم. بنابراین عجیب نیست که ایران افتخار چنین تقدیمی را در دوره‌های پیش از تاریخ و اوایل تاریخی از آن خود می‌داند و ده‌ها اندیشمند و پژوهشگر مطرح در جهان فکر و ذکرشان مشغول به این دوره‌های پرشکوه است.

آنچه درباره ایران چه در داخل و چه در خارج آن کمتر شناخته شده غنای حیرت‌انگیز آن در عصر سنگ یا پارینه‌سنگی است. غارها را تقریباً در سرتاسر ایران می‌توان یافت و یافته‌های به‌دست‌آمده از محدود کارهای میدانی در محوطه‌های پارینه‌سنگی ایران حاکی از توان فوق‌العاده ایران در زمینه زندگی انسان در دوره شکارورزی و گردآوری است.

دوره‌ای بس دور، پیش از پیدایش امپراتوری‌ها و شهرها، پیش از اختراع خط، پیش از سفالگری و فلزگری و حتی پیش از زمانی که بتوان نخستین سرپناه‌ها یا کلبه‌های ساخته‌شده به دست انسان را بازشناخت. بر اساس دست‌افزارهای سنگی یافت‌شده از محوطه‌های باستانی در ایران می‌توان ادعا کرد که این سرزمین صدها هزار سال و چه بسا از دو میلیون سال پیش محل زیست گونه‌های انسان بوده است. برای درک بهتر عظمت این گستره زمانی کافی است دو میلیون سال گذشته را معادل بیست و چهار ساعت یک شبانه‌روز در نظر بگیرید. با این فرض که پیدایش تمدن‌های مس‌سنگی، مفرغ و آهن در ایران قریب به شش هزار سال پیشینه داشته، این دوره‌های باشکوه فقط چهار دقیقه روز ما را به خود اختصاص داده و باقی بیست و سه ساعت و پنجاه و شش دقیقه یا به عبارتی ۹۹/۷ درصد روز را نه به صورت بوامع کشاورز، بلکه به سان دسته‌های شکارورز-گردآورنده سپری کرده‌ایم. همین مسئله دلیل اهمیت بسار دوره پارینه‌سنگی در تاریخ زندگی انسان است. پارینه‌سنگی دوره‌ای است که در آن ریخت و روژ و ژنتیک ما شکل گرفته است. بیشتر این گستره زمانی هنوز از چشم ما پوشیده است و تنها بخش‌های کوچکی از آن را شناخته‌ایم. برای خواننده فارسی‌زبان این سطور جالب است که بدان بخش اعظمی از داستان انسان، بی‌گمان در همین جا یعنی ایران، در غارها و پناهگاه‌ها، صخره‌ای بی‌شمارش، در رسوبات پادگانه‌های رودخانه‌ها و دره‌های باستانی و در نهشته‌های دریاچه‌های عصر پلیستوسن (دوران یخبندان) مدفون شده و داستان آن در انتظار کشف شدن و خواند شدن است.

اجازه بدهید توان بالقوه بی‌نظیر ایران را از منظر فراخ‌تر بنگریم. برای نیل به این هدف لازم است لحظاتی به جنوب صحرای افریقا در بازه زمانی پنج تا هفت میلیون سال پیش سفر کنیم، زمانی که نخستین انسان‌ریخت‌ها در دشت‌های شرقی افریقا پراکنده بودند. حجم مغزی این انسان‌ریخت‌های ابتدایی، که با نام کلی "استرالوپیتکوس" شناخته می‌شوند، اندکی بیشتر از شمیمانه‌های امروزمین (تقریباً معادل ۳۰۰ تا ۳۵۰ سانتی‌متر مکعب) بوده؛ هرچند از بسیاری جهات با پسرعموهای نخستین‌شان متفاوت بوده‌اند، که از شاخص‌ترین این تفاوت‌ها می‌توان به راه رفتن روی دویا اشاره کرد. جنس ما یعنی انسان - که او نیز نخستین بار در افریقا ظاهر شد - تقریباً ۲/۶ تا ۲/۵ میلیون سال پیش پدید آمد. نام نخستین انسان با نخستین ابزارهای زمخت آذوانی گره خورده است. دلیل این نام‌گذاری پژوهش‌های دامنه‌دار و پرسابقه دو تن از پیش‌تازان علم دیرین‌انسان‌شناسی، لویی و ماری لیکی در تنگه آلدوایی در تانزانیا است. این نخستین اعضای ابزارساز خانواده

انسان را پژوهشگران تحت سه گونه متفاوت طبقه‌بندی کرده‌اند: "انسان ماهر"، "انسان رودولف" و "انسان کارگر". حجم مغزی اینان آشکارا بیشتر از پیشینیان خود (حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ سانتی‌متر مکعب) بوده هرچند هنوز حجم مغزشان به اندازه نیمی از حجم مغزی انسان مدرن (حدود ۱۳۰۰ سانتی‌متر مکعب) نبوده است. یافته‌های سنگواره‌ای این بخش از تاریخ جنس انسان بسیار اندک است، گرچه شمار نه چندان اندکی از محوطه‌هایی با استخوان جانوران قصابی شده داریم و کمبودی از نظر ابزارهای اولدوانی نداریم. این ابزارها به آسانی قابل تشخیص هستند چراکه خیلی ساده بوده و بیشتر شامل تراشه‌های ساده ساخته‌شده چکش سخت از سنگ بازالت، فلینت و دیگر مواد شکننده هستند و همچنین قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای با چندین تراشه برداشته‌شده از یک لبه به شکل ساطور دستی زمخت.

سپس "رویداد مهم دیگری در تاریخ تطور انسان رخ داد: عضو بیشتر تطور یافته از جنس ما که در میان دوستان انسان با نام "انسان راست‌قامت" شناخته می‌شود، با حجم مغزی که به اندازه ۹۰۰ سانتی‌متر مکعب افزایش یافته بود به خارج از افریقا پا گذاشت و گسترش یافت. این گونه نخست به آسیا رسید و کم‌پس از آن اروپا را درنوردید. سال‌های سال باستان‌شناسان می‌پنداشتند که این پراختی یک تا یک‌ونیم میلیون سال پیش رخ داده و دلیل آن توسعه دست‌افزارهای سنگی نوین و ظاهراً فناوری پیشرفته‌تر بوده که در میان باستان‌شناسان با نام سنت تراشه‌برداری "آشولی" شناخته می‌شده برای آن دسته از خوانندگان که با پارینه‌سنگی آشنا نیستند، باید گفت که نشانه بارز این فناوری نوین تبردستی است، ابزاری به شکل قطره اشک، نوک‌تیز و بزرگ که با تراشه‌برداری متقارن از دو روی یک سنگ بزرگ ساخته شده بود. تبردستی‌ها، که در میان مواد باستان‌شناختی تا تقریباً ۳۰۰ تا ۲۵۰ هزار سال پیش رواج داشتند، در سرتاسر اروپا و در بسیاری مناطق غرب آسیا همچون ایران یافت شده، اما عملاً در شرق دور و آن‌سوتر از برمه ناپدید می‌شوند.

متأسفانه، سنگواره‌های انسانی که قدمت‌شان به مراحل اولیه آشولی برسند، بسیار اندک و بیشتر شامل مجموعه‌هایی است که از شرقی‌ترین گستره انسان راست‌قامت در جاوه اندونزی به دست آمده است. درحالی‌که دست‌افزارهای آشولی، به‌نسبت فراوان است، بیشتر تبردستی‌های دارای گاهنگاری صحیح که در خارج از افریقا یافت شده، متأخرتر است و بین بازه زمانی ۳۰۰ و ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار سال پیش قرار می‌گیرد و سازندگان‌شان انسان‌های راست‌قامتی با حجم مغزی بیش از ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ سانتی‌متر مکعب بوده‌اند. این که دست‌افزارهای

آشولی چه اثری بر سازندگان‌شان و انتشارشان به عرض‌های شمالی داشته هنوز روشن نیست. باستان‌شناسان نخست چنین پنداشتند که ارتباطی تنگاتنگ بین پیدایش تبردستی‌ها، افزایش حجم مغز و خروج از افریقا وجود داشته و انسان راست‌قامت را قادر ساخته که در مناطقی از اروپا ساکن شود که مشابهی برایشان در افریقا یافت نمی‌شود. این تصویر تا سال ۱۹۹۰ پابرجا بود. سپس در سال ۱۹۹۱ یافته‌های چشمگیری از سنگواره‌های انسان راست‌قامت اولیه - که گاهی از او به نام انسان کارگر نیز یاد می‌شود، هر چند هنوز هم اختلاف نظر جدی دربارهٔ این طبقه‌بندی وجود دارد - و دست‌افزارهای سنگی او که قدمتشان به طور حیرت‌انگیزی به ۱/۸۵ تا ۱/۷۷ میلیون سال پیش می‌رسید از محوطه‌ای نزدیک به ایران به نام دمانیسی در جمهوری گرجستان به دست آمد. چقدر نزدیک؟ فاصلهٔ تفلیس تا تهران فقط حدود ۸۸۰ کیلومتر است، به‌طور چشمگیری کمتر از طول ایران. این سنگواره‌ها و دست‌افزارها تفکر ما را دربارهٔ گسترش انسان از افریقا به اوراسیا اساساً تغییر داد. برخلاف آنچه بیشتر پژوهشگران سالیان سال می‌پنداشتند، مغز سنگواره‌های دمانیسی به طور مشهودی کوچک است، به طور متوسط فقط ۵۵۰ تا ۷۰۰ سانتی‌متر مکعب. کف بیشتر، فناوری ابزارهای دمانیسی است که اولدوانی است و نه آشولی! جالب این‌که هیچ‌یک از دست‌افزارهای دمانیسی یافت نشده و مجموعه‌ابزار فقط شامل شمار فراوانی تراش‌های ساده و ابزارهای ساطوری‌شکل است. این انسان‌های اولیه، مدت‌ها پیش از پیدایش سنت ابزارسازی آشولی، افریقا را ترک کرده بودند. تنوع فوق‌العاده در پنج مجموعهٔ کشف‌شده از دمانیسی، که همگی متعلق به یک جمعیت است، نشان می‌دهد که به‌احتمال گونه‌های متعددی از انسان‌های اولیه که دیرین‌انسان‌شناسان پیشتر در افریقا شناسایی کرده بودند نیز ممکن است همه اعضای یک یا واحدی باشند. در پی این کشف مهم، باستان‌شناسان و دیرین‌انسان‌شناسان بار دیگر با هم نشستند، تصور انسان بازگشته‌اند تا بفهمند چرا این نخستین اعضای خانوادهٔ انسان افریقا را ترک کرده‌اند و چه چیز این خروج را ممکن ساخته است؟

اطلاعات باستان‌شناختی و سنگواره‌ای ما، همچون فهم ما از دیرین‌محیط و دیرین‌بوم‌شناسی دورهٔ پلیو-پلیستوسن، هنوز هم بسیار ناقص است. گرچه دمانیسی به‌روشنی محوطه‌ای فوق‌العاده مهم است، همچون محوطه‌های دارای سنگواره‌های انسانی پرآوازه‌ای چون استرکفانتین و سوارتزکرانز در افریقای جنوبی، "محوطهٔ استقرار" نبوده است. هنوز در این بازهٔ زمانی در اوراسیا محوطهٔ استقرار همانند محوطهٔ زینج در درهٔ اولدوانی که در آن انسان‌ریخت‌ها به خوابیدن، خوردن و شکل دادن به ابزارهای‌شان مشغول بودند یافت

نشده است. پژوهش‌های باستان‌شناسان و دیرین‌انسان‌شناسان نشان می‌دهد که بقایای انسانی در دمانیسی ظاهراً از قربانیان گوشتخواری به جا مانده که باقی‌مانده‌های‌شان به لانه‌های زیرزمینی کشیده شده‌اند و در آن جا جمجمه و دیگر استخوان‌ها حفظ شده است. در نبود اطلاعات دقیق رفتاری از یک محوطه استقراری، نمی‌توانیم به این پرسش‌های جالب پاسخ دهیم که "چگونه" و "چرا" انسان‌ها تقریباً از ۲ میلیون سال پیش به گسترش دامنه خود فراتر از مرزهای افریقا قادر شدند و به مناطقی رفتند که پیشتر سابقه نداشته است. ایران به احتمال کلید بسیاری از این مسائل را در خود نهفته دارد. محوطه‌ای همچون زینج ممکن است جایی در ایران وجود داشته و فقط به انتظار کشف و مطالعه باشد. جای تعجب نیست، که هنوز بسیاری از پرسش‌های مهم درباره مراحل اولیه زندگی انسان حل نشده باقی مانده و از ایران می‌توان داده‌هایی فراهم کرد که ادعا دهد برخی از خلأهای بزرگ اطلاعات ما پر شود. برای نمونه، چگونه این اعضای اولیه جنس ما در عرض‌های جغرافیایی شمالی‌تر اوراسیا به زیست قادر بوده‌اند؟ آیا آتش داشته‌اند؟ چاره‌ای در این باره بیش از یک سده پیش بیان کرده که تکلم و مهار آتش از بزرگ‌ترین اختراعات انسان بوده است.

متأسفانه یافتن مدرکی از زمان مارک باستان‌شناختی تقریباً غیرممکن است. پیدایش زبان مسئله‌ای است که به احتمال قطعی توان از طریق پژوهش‌های ژنتیک تطبیقی میان انسان‌ها و نخستی‌های امروزی و شاید از طریق مطالعه قالب درونی سنگواره‌ها به آن پرداخت. از سویی هم، انتظار می‌رود که اثر آتش را برن با صورت ملموس‌تر در شکل زغال چوب، خاکستر و استخوان‌های سوخته ردیابی کرد. البته مواد شیشه‌ای، فرایندهای تجزیه‌کننده به نحوی بقایای آلی را تغییر می‌دهد که پس از چند صد هزار سال در دست‌های قابل شناسایی نیستند. مشکل زمانی حادث می‌شود که بدانیم انسان‌ها عمدتاً تا پیش از ۱۰۰ هزار سال پیش، برای اجاق خود چاله‌ای حفر یا دور آن را سنگ‌چین نمی‌کردند و سنگ‌های گداخته را برای پخت غذا به کار نمی‌بردند. این شواهد که در کنترل و استفاده از آتش تردیدی باقی نمی‌گذارد، فقط مربوط به بخش‌های پایانی دوره پارینه‌سنگی است.

با وجود این، استفاده از فنون بیوشیمیایی و ژئوشیمیایی نوین امکان شناسایی شواهدی از سوختن را در گذشته‌های دور میسر ساخته است. دانستن این که چه زمانی انسان ریخت‌ها به کنترل آتش دست یافتند در درک مهاجرت‌شان از افریقا مهم است. آتش نه فقط گرما و امکان حفاظت از شکارچیان را فراهم کرد، بلکه به انسان‌های اولیه اجازه پخت‌وپز داد. بدون این توانایی، بسیاری از غذاهای گیاهی، بالقوه غیر قابل خوردن یا هضم‌شان دشوار بود، از سوی

دیگر سوخت‌وساز مصرف گوشت خام بسیار پرهزینه‌تر از گوشت پخته‌شده است. این انسان‌ها از چه حیواناتی استفاده می‌کردند و چگونه آن‌ها را می‌کشتند؟ آیا از بقایای لاشه‌های رهاشده شکارگران بزرگ استفاده می‌کردند؟ ما شواهدی از نیزه یا سرپیکان‌های به‌کاررفته در نیزه تا پیش از ۴۰۰ تا ۳۰۰ هزار سال پیش نداریم و فقط بر اساس بخت و اقبال مساعد نیزه‌های چوبی زیبایی از محوطه شونینگن در آلمان یافت شده است. در نبود سلاح‌های شکارچیان، الگوی سنی حیوانات شکارشده اطلاعاتی درباره میزان رواج شکار و لاشه‌خواری در میان این انسان‌ها در اختیار می‌گذارد.

انسان‌های شکارگر به طور معمول جانوران تازه‌بالغ‌شده را شکار می‌کردند، درحالی‌که جانوران شکارگر مانند شیر و کفتار اغلب افراد مسن یا جواناتر‌ها را شکار می‌کردند. آیا می‌توان تصور کرد که میان نخستین افراد گونه انسان در خارج از آفریقا همچون شکارگران و گردآورندگان امرین، حسیم کار رخ داده بوده است؟ یا هر دو جنس برای یافتن غذا به طور مستقل جست‌وجو می‌کردند؟ دوره‌های آن‌ها چقدر بزرگ بوده است؟ چگونه پراکنده شده بودند و گروه‌های متحرک برای حفظ مناسب با دیگر گروه‌ها به قصد حفظ زادآوری چگونه عمل می‌کردند؟ این‌ها فقط شرانده‌ای از ریش‌های فراوان، جالب و مهمی است که باستان‌شناسان ایرانی که درباره دوره‌های اولیه پارینه‌سنگی کار می‌کنند ممکن است به‌خوبی به یافتن پاسخ آن‌ها قادر شوند.

پارینه‌سنگی ایران توان فراوانی برای کشف یک جذاب‌ترین و درعین‌حال کمترشناخته‌شده‌ترین مرحله از دوره زندگی انسان دارد. انسان‌ها با اندام فوق‌العاده شبیه به ما، نخستین بار بین حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ هزار سال پیش در آفریقا پدید شدند و پس از آن در طول ۱۵۰ تا ۱۰۰ هزار سال بعد از آفریقا خارج و به اوراسیا - دومین بزرگ‌ترین قاره - گسترش یافتند، و دست‌کم در ۱۲۰ هزار سال پیش به خاورمیانه، تقریباً ۴۰ هزار سال پیش به غرب اروپا، ۵۰ هزار سال پیش به استرالیا و ۲۰ تا ۱۵ هزار سال پیش به بر جدید رسیدند. بر اساس پژوهش‌های اخیر روی مواد وراثتی که به طور مستقیم از کلاژن برخی از سنگواره‌های بهترحفظ‌شده استخراج شده، برخی از پژوهشگران بر این باورند که گسترش "انسان‌های مدرن" در رویارویی با "انسان‌های باستانی" - شامل نئاندرتال‌ها در اروپا و غرب آسیا، یافته‌های تازه در دنیسوا سیبری، و برخی از "انسان‌های باستانی" کشف‌نشده در دیگر مناطق آسیا - به تبدلات ژنتیک میان آنان منجر شده است.

گروهی از دانشمندان که از سناریوی تعامل و آمیزش نئاندرتال‌ها با گونه‌ما طرفداری می‌کنند، عنوان انسان هوشمند نئاندرتال را به کار می‌برند. دیگران بر این باورند که تازه‌واردان "مدرن" به طور کامل و بدون تبادل ژنتیکی، جایگزین بیشتر اوراسیایی‌های "باستانی" شده‌اند، یا آنان را کشته‌اند یا در فرایند رقابت آنان را حذف کرده‌اند. قرارداد نئاندرتال‌ها در گونه‌ای مجزا و نامیدن‌شان با عنوان انسان نئاندرتال، بازتاب روشنی از این دیدگاه است. اگر چنین آمیزشی رخ داده باشد، فقط بر اساس جغرافیا می‌توان احتمال داد که مکان وقوع آن می‌توانسته در خاورمیانه باشد، منطقه‌ای که آفریقا، آسیا، و اروپا به همدیگر می‌پیوندند. وجود تعداد زیادی از سنگواره‌های انسانی در این منطقه جغرافیایی، که برخی از آن‌ها مربوط به نئاندرتال‌ها و شمار بسیاری مربوط به انسان مدرن است دلیل این بحث است. از جمله معروف‌ترین این یافته‌ها بقایای اسکلتی از فاستین (سجول، قفزه، آمود، کبارا، تاپون)، سوریه (ددربه) و درست در مرز ایران، در کردستان عراق (ننادر) و از شرق در ازبکستان (تشیک‌تاش) است. با این حال نمونه‌های سنگواره‌های انسانی از محوطه‌های باستان‌شناختی که به‌خوبی کاوش و ثبت و ضبط شده هنوز هم برای منطقه‌ای بدسترس و ناآرام خاورمیانه اندک‌تر از آنی است که بتواند به بازسازی رویدادی کمک کند که ۱۰۰ تا ۵۰ هزار سال پیش رخ داده است؛ یعنی محدوده‌ای زمانی که طی آن انسان‌های مدرن گسترش یافتند، باستان‌شناسان باستانی تعامل کردند و در نهایت جایگزین نئاندرتال‌ها و پسرعموهای باستانی خود شدند.

در این مورد هم مدارک باستان‌شناختی این مدعا است کلید حل مسئله باشد. دست‌افزارهای سنگی متمایز این دوره زمانی - که با نام پارینه‌سنگی میانی شناخته شده است - از محوطه‌های روباز و غارها در سراسر ایران گزارش شده و روشن است ایران دارای پیشینه پارینه‌سنگی میانی فوق‌العاده غنی است. همین غنای پارینه‌سنگی میانی ایران بود که مرا در دهه ۱۹۶۰ به این کشور جلب کرد. پارینه‌سنگی جدید - که بخش پایانی آن پارینه‌سنگی خوانده می‌شود - نشان‌دهنده واپسین مرحله مهم از دوران پارینه‌سنگی است که انسان به طور کامل مدرن - هم از نظر اندامی و هم از نظر ظرفیت‌های رفتاری - در سراسر اوراسیا و در دنیای جدید گسترش یافت. این دوره سرشار از تغییرات تعیین‌کننده در روند تطور انسان است، که بسیاری از آن‌ها کمتر شناخته شده است. با وجود آب‌وهوای خشن عصر یخبندان، که عرض‌های شمال اوراسیا را تحت تاثیر قرار داد، جمعیت‌های انسانی به‌مراتب بیش از گذشته رشد کردند. با کاربست فناوری‌های پیشرونده جدید، این گردآوردگان بی‌باک، برخی از

زیستگاه‌های نامساعد و سخت جهان همچون جنگل‌های شمالی و تندراهای دوردست شمال، جنگل‌های متراکم بارانی و حاره‌ای آفریقا و آسیای جنوب شرقی و برخی از بیابان‌های خشک جهان و تقریباً به طور قطع مناطق بیابانی ایران را تسخیر کردند. این انسان‌ها راه‌های تازه‌ای همچون ساخت سفال برای پردازش و تهیه مواد غذایی یافتند که نخستین بار در سبیری، چین و ژاپن تقریباً در ۲۰ تا ۱۷ هزار سال پیش پدیدار شد. آن‌ها همچنین دست‌کم در حدود ۲۳ هزار سال پیش، سنگ آسیاب را اختراع و بذر گیاهان وحشی همچون گندم و جو را به آرد تبدیل و صحنه را برای کشاورزی، یکی از مهم‌ترین تحولات در سراسر تاریخ انسان در این سیاره، آماده کردند. ما، پارینه‌سنگی جدید نخستین ابزارها و سلاح‌های ترکیبی را با به کار بردن قطعات ریزابزبری، قابل تعویض اختراع کردند. همچنین با ابداع تیروکمان و روش‌ها و فنون بی‌شمار دیگر خود را بیش از پیش برای سازگاری با محیط نو و چالش‌انگیز آماده کردند. اما همچون دوره‌های پیشین پارینه‌سنگی، پرسش‌های بی‌پاسخ بسیاری دربارهٔ پارینه‌سنگی جدید وجود دارد. شاید شگفت‌انگیز باشد که ما دربارهٔ "چه اندازه"، "کجا" و "چه وقت" شیوه‌های زندگی پارینه‌سنگی جدید خیلی بیشتر بدانیم تا دربارهٔ پرسش‌های جالب توجه "چگونه" و "چرا". برای نمونه آیا روی آوردن انسان، ما در این دوره به منابع ریز و پرمشقتی همچون بذر گیاهان به دلیل تعداد زیاد شکم‌های گرسنه است یا به فراوانی منابع غذایی (دیدگاه "فشار" یا "استرس") بوده یا این که بنا به دلایل اقلیمی در اواخر پلیستوسن، گیاهان به میزانی فراوان شدند که به‌ناچار مورد توجه جوامع انسانی قرار گرفتند. دیدگاه "کشش" یا "فرصت‌طلبانه"؟ چرا مبادلهٔ صدف‌های دریایی، دست‌افزاهایی با منشأ خارجی و یک‌واحد و اشیاء در پارینه‌سنگی جدید بسیار مشهودتر از گذشته است؟ آیا این انسان‌های جدید رفتارهای جدیدی و ادراکی برتری داشته‌اند، یا افزایش جمعیت به نیاز بیشتر برای سازوکار و تعامل بین‌گروهی منجر و در نتیجه باعث کمتر جابه‌جا شدن و قلمروطلبی بیشتر شده است؟

اندک داده‌های نمونه‌های اسکلتی این دوران نشان می‌دهد که طول عمر انسان به طور چشمگیری در پارینه‌سنگی جدید افزایش یافته و برای نخستین بار پدیدهٔ پدربزرگ و مادربزرگ شکل گرفته است. در نقطهٔ مقابل، به نظر می‌رسد طول عمر انسان با اندام مدرن در دورهٔ پیشین یعنی پارینه‌سنگی میانی بیشتر از نئاندرتال‌های هم‌عصرشان نبوده است. انسان‌ها در پارینه‌سنگی جدید چه می‌کردند که به طور چشمگیری الگوهای مرگ‌ومیر بزرگسالان‌شان تغییر کرده است؟ آیا این امر مرهون برخی تغییرات در فناوری بوده یا تغییر

بنیادین در سازمان اجتماعی این انسان‌ها رخ داده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌های دشوار اما جذاب نیازمند داده‌های باستان‌شناختی و نمونه‌های اسکلتی به‌مراتب بیشتری هستیم. بار دیگر، ایران در موقعیت ایده‌آلی برای پرداختن به بسیاری از این مسائل حل نشده قرار دارد. محوطه‌های پارینه‌سنگی جدید در سراسر ایران پراکنده است. تیغه‌ها و میکرولیت‌های شاخص این مرحله متأخر پارینه‌سنگی در غارها، پناهگاه‌های صخره‌ای و همچنین در بسیاری از محوطه‌های سطحی یافت شده که همگی غنای پارینه‌سنگی جدید را نشان می‌دهد که درست زیر پای ما پنهان است.

فصل‌های ریادی از این کتاب آشکارا در تأیید توان فوق‌العاده پارینه‌سنگی ایران است و بی‌گمان بخش بزرگی از داستان دو میلیون سالهٔ تطور انسان در خارج از آفریقا، درست در مرزهای امروزی این سرزمین پدید آمده است. ضمن این‌که علاقه به باستان‌شناسی پارینه‌سنگی در ایران نیز بسیار پویا و زنده است. آنچه اکنون مورد نیاز است، توسعهٔ زیرساخت‌ها و ابزارهای حمایتی است که به باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران امکان دهد تا به عنوان شاخهٔ مستقل پژوهشی به فعالیت بپردازد. در این صورت است که دانشجویان علاقه‌مند به این گرایش دیگر به ترک کشور خود مجبور نخواهند بود و می‌توانند آموزش‌های لازم را در داخل ایران فرا گیرند، جایی که مجموعه‌ها و محوطه‌های باستانی بسیار متنوع است.

مطمئن هستم که ایران امروز از نظر باستان‌شناسی، در جایی بسیار متفاوتی از سال ۱۹۶۹ است که من نخستین بار برای آموزش و تجربهٔ آموزشی بدان پای گذاشتم. شش ماه کاوش من در غار کنجی - محوطهٔ پارینه‌سنگی میانی در نوهه‌ی زاگرس در نزدیکی شهر خرم‌آباد - جزو فوق‌العاده‌ترین و هیجان‌انگیزترین ماه‌های زندگی من به دورهای که اغلب با لذت به آن فکر می‌کنم، با وجود این روشن است که باستان‌شناسی پارینه‌سنگی در ایران هنوز به بلوغ خود نرسیده است. هنگام اقامتم در ایران توانستم کسی را پیدا کنم که به این دورهٔ زمانی دور علاقه‌مند باشد و ادارهٔ دولتی مسئول صدور مجوز کاوش، با این‌که به طور شگفت‌انگیزی صمیمانه برخورد و بسیار کمک می‌کرد، درواقع درست نمی‌دانست که چگونه با من برخورد کند. در نتیجه، من چند روزی بین ادارهٔ عتیقات و ادارهٔ محیط زیست در رفت و آمد بودم تا زمانی که رئیس ادارهٔ عتیقات از روی دلسوزی مجوزم را صادر کرد. زمانی که در پایان کاوش‌هایم به تهران بازگشتم، تردید مشابهی دربارهٔ مواد پیش‌ازسفال کشف‌شده وجود داشت. روشن بود که آن‌ها را به عنوان آثار باستانی یا دست‌کم به عنوان چیزهای "مهم" در نظر

نگرفته‌اند. اکنون به‌روشنی می‌توان دریافت که این تغییر رخ داده و حرکت به سمت این دوره آغاز شده و باستان‌شناسی پارینه‌سنگی ایران برای مطرح‌شدن به عنوان رشته‌ای مهم و گرفتن جایگاهی همسان با دیگر دوره‌های پرشکوه تمدن‌های بزرگ ایران آماده است. برای من نهایت لذت و افتخار است که شاهد این دگردیسی فوق‌العاده باشم.

دکتر جان. د. اسپت

استاد کرسی آرتور. اف. تورنو

دپارتمان انسان‌شناسی، دانشگاه میشیگان

اکتبر ۲۰۱۳